یک جامعه‌شناس از جامعه‌ای می‌گوید که زود قضاوت می‌کند، برچسب می‌زند و سخت می‌شنود

کارخانه تبدیل «آدم‌های محبوب» به «آدم‌های منفور»

محدثه رضایی| این روزها کافی است چند دقیقه‌ای در شبکه‌های اجتماعی بچرخیم تا با موج تازه‌ای از واکنش‌ها به یک چهره شناخته‌شده روبه‌رو شویم. یک ویدئو، بخشی از یک مصاحبه یا حتی چند جمله کوتاه منتشر می‌شود و خیلی زود موافقان و مخالفان صف می‌کشند و طولی نمی‌کشد که یک دادگاه مجازی با هزاران قاضی شکل می‌گیرد.

نمونه‌اش واکنش‌هایی بود که به ویدئو مجتبی شکوری از کربلا شکل گرفت. انتشار این ویدئو سبب شد عده‌ای دوباره سراغ حرف‌ها و مواضع گذشته او بروند و رفتار امروزش را با تصویری که پیش‌تر از او داشتند مقایسه کنند. برای گروهی، این اتفاق چیزی بیشتر از یک انتخاب شخصی نبود و برای گروهی دیگر، نشانه تناقضی بود که نمی‌توانستند به‌سادگی از کنار آن عبور کنند. کمی بعد، انتشار بخش‌هایی از مصاحبه مجید واشقانی نیز موج دیگری از واکنش‌ها را به راه انداخت. این بار هم بریده‌های کوتاه مصاحبه در فضای مجازی چرخید و خیلی زود بحث از خود گفت‌وگو فراتر رفت. البته ماجرا به شکوری یا واشقانی محدود نمی‌شود. آن‌ها فقط دو نمونه از اتفاقی هستند که تقریباً هر روز در فضای مجازی تکرار می‌شود. ما هر روز در فضای مجازی با آدم‌هایی مواجهیم که به واسطه یک جمله، یک عکس، یک سفر، یک انتخاب شخصی یا یک موضع متفاوت، ناگهان از «آدم محبوب» به «آدم منفور» یا برعکس تبدیل می‌شوند. گویی برای شناخت یک انسان، دیگر نیازی به دانستن تمام داستان او نداریم؛ گاهی همان چند ثانیه ویدئو برای صدور حکم کافی است.

برای بررسی ریشه‌های این نوع قضاوت‌ها و اینکه چرا در مواجهه با دیگران به‌سرعت از نقد به داوری و برچسب‌زنی می‌رسیم، با بهمن نامور مطلق، جامعه‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی گفت‌وگو کردیم.

■چرا ما انسان‌ها این‌قدر سریع دیگری را در قالب «آدم خوب» یا «آدم بد» قرار می‌دهیم؟ این دوگانه‌سازی چقدر ریشه فرهنگی دارد؟

دلیل اینکه ما خیلی سریع قضاوت می‌کنیم، این است که واقعاً قضاوت کردن را بلد نیستیم. متأسفانه در آموزش‌وپرورش، نهادهای رسانه‌ای و ارتباطات جمعی، نقد، داوری و قضاوت کردن را جزو اصولی نمی‌دانیم که باید بخشی از تربیت افراد جامعه باشند. ما نیاز داریم هم در نهاد خانواده، هم در آموزش‌وپرورش و هم در رسانه، کودک به‌گونه‌ای پرورش پیدا کند که جنبه نقادانه‌اش تقویت شود و بتواند نقد و داوری کند. وقتی این اتفاق نمی‌افتد، داوری‌ها و قضاوت‌های ما سطحی می‌شوند و وقتی قضاوت سطحی شد، معمولاً همه‌چیز به دوگانه‌های بد و خوب و سیاه و سفید تقسیم می‌شود. برای آدم‌ها خیلی راحت‌تر است که دیگران را سیاه و سفید ببینند تا اینکه بخواهند تحلیل عمیق و ژرفی از آن‌ها داشته باشند. نکته دیگر این است که چقدر حق داریم درباره دیگران داوری کنیم و اساساً در چه مسائلی باید داوری کنیم؟ ما باید موضوع‌شناسیِ داوری را هم بیاموزیم. عده‌ای نظراتی مطرح می‌کنند، اما آیا هر نظری که بیان می‌شود الزاماً باید درباره آن داوری کنیم؟ می‌توانیم فقط گوش بدهیم و با آن نظر آشنا شویم. الزاماً وظیفه نداریم درباره هر موضوعی داوری کنیم. اگر هم بخواهیم داوری کنیم، داوری هم اخلاق خاص خودش و هم شیوه و روش مشخصی دارد که متأسفانه در جامعه ما آموزش داده نمی‌شود. از طرف دیگر، فشارهای اجتماعی و دودستگی‌ها زیاد است و به همین دلیل، بسته به اینکه به کدام دسته تعلق داشته باشیم، خیلی سریع درباره دیگران، خودمان، خودی‌ها و دیگری‌ها نظر می‌دهیم.

■چرا تناقض را در خودمان طبیعی می‌دانیم، اما در دیگری نشانه ریاکاری؟

تقسیم‌بندی «خود و دیگری» یکی از مشکلاتی است که جامعه با آن مواجه شده و قضاوت، انگ‌زدن و برچسب‌زدن را بسیار راحت کرده است. به محض اینکه احساس کنیم کسی «خودی» است، هر آنچه می‌گوید خوب تلقی می‌شود و اگر احساس کنیم خودی نیست و «دیگری» یا «نامحرم» است، هرچه بگوید بد تلقی می‌شود. این وضعیت متأسفانه ناشی از نبود شیوه داوری، تربیت داوری و اخلاق داوری و قضاوت در جامعه است. نمی‌دانم چرا احساس می‌کنیم باید درباره همه‌چیز نظر بدهیم و داوری کنیم، در حالی که در بسیاری از مواقع باید گوش کنیم، یاد بگیریم و حتی اگر نظری مخالف دیدگاه ماست، با آن آشنا شویم. همان‌طور که عرض کردم، این مسئله نیازمند تربیت است. متأسفانه در جامعه الگوهایی هم برای نقد نداریم. افرادی را می‌بینیم که می‌توانند خیلی راحت به دیگران حتی تا سطح رئیس‌جمهور انگ و حتی به افرادی که خیرخواه این جامعه هستند برچسب بزنند؛ این برچسب‌زنی‌ها بدون رعایت هیچ روش، متد و اخلاقی انجام می‌شود و اتفاقاً چنین افرادی زیاد هم دیده می‌شوند. جامعه ما جامعه ملتهبی است و به همین دلیل، وقتی حرف‌های تند و افراطی، چه در رد و چه در پذیرش یک موضوع، مطرح می‌شود، خیلی راحت شنیده می‌شود.

■منظور از جامعه ملتهب دقیقاً چیست؟

جامعه ملتهب، جامعه‌ای است که به سمت افراط می‌رود، به داوری‌های افراطی بیشتر توجه می‌کند و از اعتدال خارج می‌شود. بنابراین یکی از مشکلات ما این است که الگوهای خوبی برای داوری نداریم و اگر واقعاً داوری‌های خوبی هم انجام می‌شود، متأسفانه این داوری‌ها توزیع و تکثیر نمی‌شوند و رسانه‌ها آن‌ها را به‌عنوان الگو در جامعه جاری و ساری نمی‌کنند. رسانه‌ها نیز ایراد بزرگی دارند و آن این است همین افراد افراطی را بیشتر برجسته می‌کنند و نشان می‌دهند؛ چه رسانه ملی باشد و چه رسانه‌های دیگر. در چنین وضعیتی چه انتظاری می‌توانیم از مردم داشته باشیم؟ وقتی رسانه‌ها، نهاد خانواده، نهاد آموزش و در مجموع جامعه به سمت دوگانه‌های سیاه و سفید رفته‌اند، جوان و نوجوان هم در همین جامعه زندگی می‌کنند و امکان قضاوت خوب را پیدا نمی‌کنند. در عین حال، احساس می‌کنند باید درباره همه‌چیز قضاوت کنند و به‌راحتی هم دست به قضاوت بزنند. من فکر می‌کنم باید تربیت و اخلاق قضاوت را در جامعه‌مان ارتقا دهیم. بحث داوری، موضوعی تخصصی است و ما نباید درباره هر چیزی داوری و قضاوت کنیم. من در حوزه خودم و رشته‌هایی که در آن‌ها تخصص دارم، می‌توانم به‌عنوان یک کارشناس داوری کنم و دیگران هم در حوزه تخصصی خودشان.

چرا فکر می‌کنیم همه باید درباره همه‌چیز نظر بدهند؟ حتی می‌بینیم بعضی از فلاسفه وقتی می‌خواهند درباره دیگری صحبت کنند، با ادبیاتی بسیار نازل و سخیف طرف مقابل را مورد خطاب قرار می‌دهند. وقتی فیلسوف و ادیب ما چنین برخوردی دارد، چه انتظاری می‌توان از بدنه جامعه، جوانان و نوجوانان داشت؟

> نمی‌دانم چرا احساس می‌کنیم باید درباره همه‌چیز نظر بدهیم و داوری کنیم، در حالی که در بسیاری از مواقع باید گوش کنیم، یاد بگیریم و حتی اگر نظری مخالف دیدگاه ماست، با آن آشنا شویم

■به نظر شما برای داوری نیاز به چه مؤلفه‌هایی داریم؟

برای داوری نیاز به رویکرد، نظریه و یک جایگاه نظری داریم و باید رویکردی نقادانه داشته باشیم. متأسفانه امروز استادان دانشگاهی که دارای رویکرد هستند، برای جامعه مرجع و الگو نمی‌شوند؛ یعنی رسانه‌ها آن‌ها را به‌عنوان الگو معرفی نمی‌کنند. در مقابل، دو سه چهره افراطی با اظهارنظرهای عجیب و قضاوت‌های تند بیشتر دیده شده و به الگوی جوانان تبدیل می‌شوند. از طرف دیگر، در سطح جهانی نیز با الگوهایی روبه‌رو هستیم که لزوماً مناسب نیستند. برای مثال، بخشی از فرهنگ آمریکایی و فرهنگ فحاشی در داوری به جامعه ما و برخی جوامع دیگر منتقل شده است. این مسئله را حتی در بسیاری از فیلم‌ها می‌بینیم؛ آثاری که به‌جای آنکه الگویی از متانت و مهربانی باشند، گاهی حتی مهربانی را نیز با ادبیات همراه با فحاشی نشان می‌دهند.

ما از یک طرف بخشی از فرهنگ اصیل خودمان را از دست داده‌ایم؛ فرهنگی که می‌گفت درباره هر چیزی نباید نظر بدهیم، اگر نظر می‌دهیم باید متخصص باشیم و اگر متخصص هستیم نیز باید اخلاق را رعایت کنیم.

از طرف دیگر، به‌واسطه فضای مجازی تحت تأثیر فرهنگ‌هایی قرار گرفته‌ایم که این اصالت و ریشه را ندارند؛ فرهنگ‌هایی که نقد، شوخی و حتی ابراز دوستی در آن‌ها با فحاشی همراه شده است. متأسفانه این شیوه در جامعه ما نیز مانند برخی دیگر از جوامع شرقی، در حال رایج شدن است.

■فضای مجازی چه تغییری در مفهوم آبرو ایجاد کرده است؟

امروزه فضای مجازی مهم‌ترین رسانه‌ای است که در اختیار همگان قرار دارد، به‌ویژه در ایران که به دلایل مختلف، ازجمله نارضایتی بسیاری از افراد از رسانه‌های رسمی و به‌خصوص رسانه ملی، مردم بیشتر به فضای مجازی رجوع می‌کنند و تأثیر این فضا بر آن‌ها بسیار زیاد است. فضای مجازی می‌تواند موجب ارتقای یک جامعه و در عین حال می‌تواند به تنزل آن منجر شود. می‌تواند سبب شود افراد جامعه نسبت به یکدیگر رفتار انسانی و محترمانه‌ای داشته باشند، اما در عین حال می‌تواند فضایی برای فحاشی ایجاد کند.

از آنجا که این فضا رو در رو نیست و سرعت بالایی هم دارد، افراد مطالب را بسیار عیان‌تر و صریح‌تر به یکدیگر می‌گویند. باید در این زمینه بسیار دقت کنیم تا فضای مجازی در جامعه ما به یک ضدفرهنگ تبدیل نشود.

بنابراین فضای مجازی قابلیت‌های بسیار زیادی دارد و به‌خصوص در کشور ما این قابلیت‌ها دوچندان است و باید در این زمینه کاری انجام دهیم. ما باید الگوهای اخلاقی در جامعه داشته باشیم. در گذشته برخی اقشار، مانند استادان دانشگاه و روحانیون، به‌عنوان الگوهای اخلاقی جامعه شناخته می‌شدند.

امروز به دلایل گوناگون، بسیاری از جوانان و نوجوانان دیگر این اقشار را به‌عنوان الگو در نظر نمی‌گیرند و این مسئله برای آینده کشور، انسجام ملی و تربیت اخلاقی ما می‌تواند بسیار خطرناک و مضر باشد. همچنین ما باید برخی از اقشار را حفظ کنیم تا بتوانند به‌عنوان الگوهای اخلاقی و تربیتی در جامعه مطرح باشند.

وقتی از همین اقشاری که به آن‌ها اشاره کردم رفتارهایی دیده می‌شود که در آن، مرزهای اخلاقی رعایت نمی‌شود، واقعاً جوانان ما نمی‌دانند برای پیدا کردن یک الگو و مدل باید به چه کسی رجوع کنند. گاهی از میان استادان دانشگاه سخنانی مطرح می‌شود؛ همان‌طور که به‌تازگی یکی از استادان فلسفه اظهارات تندی داشت. در میان روحانیون نیز به‌تازگی فردی به دلیل تهمت‌ها و بی‌احترامی‌هایی که نسبت به برخی از خادمان این مملکت مطرح کرده بود، بسیار مورد توجه قرار گرفت. در چنین شرایطی این پرسش ایجاد می‌شود که جوانان و نوجوانان ما باید چه کسانی را به‌عنوان الگوی اخلاقی خود انتخاب کنند.

■چطور می‌شود جامعه‌ای داشت که همچنان قدرت تشخیص خوب و بد و نقد رفتارها را داشته باشد، اما انسان‌ها را با یک رفتار به‌طور کامل محکوم نکند؟

باید این کار را از کودکی با بچه‌هایمان انجام بدهیم. یعنی اگر در نهادهای خانواده، آموزش‌وپرورش و رسانه بتوانیم مروج نقد، اخلاق داوری و همین‌طور شیوه‌های داوری باشیم، می‌توانیم داوری را از احساسات به سمت عقلانیت ببریم.

وقتی هر کسی تخصص پیدا کند و این شیوه‌ها را بداند، می‌داند باید براساس یک روش و فرایند داوری کند. کسی که این روش را نداشته باشد، با احساسات داوری می‌کند؛ در حالی که داوری کار احساسات نیست و عمدتاً کاری عقلانی است. به همین دلیل باید بتوانیم در این سه نهاد به‌خصوص و سپس در کل جامعه، اجازه دهیم افراد حرف بزنند و کودکان بتوانند نقد کنند. وقتی کودکان از بچگی عادت کنند نقد کنند، کم‌کم نقدشان اصلاح می‌شود و به‌تدریج در این زمینه مهارت، تخصص، انصاف و اخلاق پیدا می‌کنند. وقتی بچه‌ها در کودکی در خانواده یا در آموزش‌وپرورش حرف بزنند و کسی حرفشان را نشنود و با آن‌ها برخورد هم بشود، حتی اگر اشتباه می‌کنند با آن‌ها برخورد نابجا شود، معلوم است وقتی نوجوان و جوان می‌شوند چه نوع داوری خواهند داشت؛ بنابراین از جامعه انتقام خواهند گرفت. باید کاری کنیم که بتوانند صدای دیگری و چندصدایی را تحمل کنند، با دیگری گفت‌وگو کرده و قضاوت‌های سالم داشته باشند. این مسئله نیازمند یک طرح عمومی است.

من از این بابت خیلی نگرانم؛ هم درباره جامعه جهانی و به‌خصوص درباره جامعه خودمان. اگر در آینده جامعه به این مباحث پرداخته نشود، اگر به نقد، داوری درست و اخلاق رفتار با دیگری توجه نشود و نتوانیم با دیگری ارتباط درستی برقرار کنیم و یک ارتباط اخلاقی و تربیتی داشته باشیم، آینده خیلی خطرناکی می‌تواند برای جامعه‌مان رقم بخورد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۱۵ ف
برگ سبز خودروی نیسان پاترول بشماره پلاک ایران ۲۶- ۲۶۴ م ۳۱ و شماره موتور ۶۱۰۳۸۳ و شماره شاسی ۷۰۲۵۳۴ بنام حسین حسن زاده یارم گنبد مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۱۳ ف
برگ سبز موتورسیکلت آپاچی ۱۶۰ سی سی مدل ۱۳۸۷ به شماره موتور ۸۲۰۶۳۱۱۷ شماره تنه NE۸***۱۶۰R۸۷۰۰۳۵۷ و شماره پلاک ۱۶۵_۲۵۲۸۳ متعلق به اشکان حسامی لمراسکی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۱۱ ف
برگ سبز و کارت موتور سیکلت هندا هیرمن مدل ۱۳۹۲ به شماره موتور ۱۵۶FMI۳۲۳۹۹۱۴۰ به شماره تنه N۲P۱۲۵C۹۲۱۹۸۸۹ به شماره پلاک انتظامی ۷۷۱- ۸۷۴۱۶ به رنگ سفید به مالکیت محمد رحمتی حاجی آبادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۰۸ ف
کلیه مدارک خودرو سواری تیبا مدل ۱۳۹۲ رنگ روغنی سفید شماره موتور ۸۰۸۳۰۴۳ شماره شاسی NAS۸۱۱۱۰۰۰۵۷۴۰۸۷۹ وشماره پلاک ۹۲۶ ط ۳۱ ایران ۷۴ متعلق به مریم دررودی مفقود شده و فاقد اعتبار است.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۰۰ ف
برگ سبز و سند کمپانی سواری پژو پارس مدل ۱۴۰۲ رنگ سفید به شماره موتور ۱۲۵K۰۲۰۵۶۳۶ و شماره شاسی NAANA۱۵E۲PH۸۹۷۸۰۸ به شماره پلاک ایران ۱۲ - ۱۳۲ ه ۱۶ به نام محمود جمالی ازغندی مفقود شده و اعتبار ندارد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۰۳ ف
برگ سبز و سند کمپانی موتور سیکلت سیستم پیشرو پیام تیپ ۱۳۵ مدل ۱۳۹۳ رنگ سفید به شماره شهربانی ۳۶۶۸۹ ایران ۷۷۲ به شماره تنه NEO**۱۳۵H۹۳۶۳۱۱۵ و شماره موتور NEO۱۳۵*۵۹۳۱۷۱۶۰ به مالکیت مهدی یار دل مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد.

آقای بهزاد حسن پور فرزند نصراله
با شماره ملی ۰۹۳۷۹۱۸۷۶۸
بنا بر اصرار خانم فاطمه خیره گندم شادی و با استناد به دادنامه شماره ۱۴۰۴۲۵۳۹۰۰۱۶۷۴۷۳۰۶ شعبه ۶ دادگاه خانواده مطهری مشهد طلاق ذیل سند شماره ۵۲۸۸ در این دفترخانه به ثبت رسید. لذا با شناسنامه و کارت ملی به نشانی مشهد، بلوار امیرالمؤمنین ۲۰ دفتر ازدواج و طلاق ۴۶ مراجعه فرمایید.
حسین اعلمی سردفتر ازدواج و طلاق ۴۶ مشهد
۱۴۰۵۰۸۲۸۲ ب

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت الکترواستیل (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۲۸۵۶ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۱۸۵۸۴۰
دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۰۴ ساعت ۸ صبح به نشانی مشهد - کیلومتر ۴ بزرگراه آسیایی - شرکت الکترواستیل و کدپستی ۹۱۸۷۳۸۳۷۳۹ و تلفن ۰۵۱۵۱۵۳ برگزار می گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه : ۱- انتخاب مدیران ۲- انتخاب بازرسین ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۴- هر موضوع دیگر که بموجب قانون قابل طرح وتصمیم گیری توسط مجمع مزبور باشد .
هیات مدیره شرکت
۱۴۰۵۰۸۲۸۴ ب

آگهی مفقودی سند کمپانی ۱۴۰۵۰۷۳۸۶
مدرک فارغ التحصیلی کارشناسی اینجانب آرش وحیدی فرزند رمضان به شماره ملی ۰۶۸۱۹۹۲۹۴۸ در رشته برق قدرت صادره از دانشگاه آزاد اسلامی بجنورد مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد ،اداره دانش آموختگان ارسال نماید.

آگهی مفقودی سند کمپانی ۱۴۰۵۰۷۳۸۸
دانشنامه پایان تحصیلات کاردانی اینجانب فهیمه صفائی مهر فرزند هادی به شماره ملی ۰۹۲۴۳۹۸۲۴۸ در رشته تربیت بدنی صادره از دانشگاه آزاد قوچان مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا میشود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد قوچان ،اداره دانش آموختگان ارسال نماید.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۰۲ ف
بدین وسیله به اطلاع می رساند که سند کمپانی خودروی اینجانب پریسا تارنگ به کد ملی ۲۹۸۰۰۴۶۸۱۷ مربوط به سواری استیشن فونیکس تیپ TIGGO۸PRO+E مدل ۱۴۰۴ رنگ مشکی - متالیک به شماره پلاک ۴۵ ایران ۸۶۱ هـ ۵۳ به شماره موتور MVME۴T۱۵CCBS۰۰۷۸۸۲ و به شماره شاسی NATVBAHE۰S۱۰۰۶۷۰۱ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی مفقودی ۱۴۰۵۰۸۳۰۴ ف
بدین وسیله به اطلاع می رساند که برگ سبز خودروی اینجانب حسین رضایی به کد ملی ۳۵۹۱۵۸۱۰۴۶ مربوط به سواری پژو تیپ ۴۰۵GLX-XU۷ مدل ۱۳۹۱ رنگ نقره ای - متالیک به شماره پلاک ۴۵ ایران ۴۲۱ س ۴۴ به شماره موتور ۱۲۴۹۱۰۴۷۶۱۵و به شماره شاسی NAAM۰۱CA۵CR۵۷۲۲۵۵ مفقود گردیده و ازدرجه اعتبار ساقط می باشد.

۱۴۰۵۰۸۱۶۷

«آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی فشرده» نوبت دوم
شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی در نظر دارد مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی فشرده با موضوعات ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان مناقصه عمومی، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد ولازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور ودریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه ۱۴۰۵/۰۵/۱۷ می باشد . اطلاعات واسناد و دعوتنامه مناقصه عمومی موضوع فوق الذکراز طریق سامانه ستاد به مناقصه گران ارسال خواهد شد.

ردیف	موضوع مناقصه	شماره فراخوان	مبلغ برآورد کار	میزان تضمین شرکت در مناقصه
۱	طرح آبرسانی رباط ملک-مجتمع منصوریه (اسلام آباد) شهرستان تربت جام	۲۰۰۵۰۰۱۴۴۶۰۰۰۱۴۸	به عدد ۶۲/۱۱۸/۴۸۹/۴۷۰ریال (حروف شصت و دو میلیارد و یکصد و هجده میلیون و چهارصد و هشتاد و نه هزار و چهارصد و هفتاد ریال)	۳/۱۰۵/۹۲۴/۴۷۴ ریال (حروف سه میلیارد و یکصد و پنج میلیون و نهصد و بیست و چهار هزار و چهارصد و هفتاد و چهار ریال)
۲	طرح آبرسانی رباط سمنگان شهرستان تربت جام	۲۰۰۵۰۰۱۴۴۶۰۰۰۱۴۹	به عدد ۱۱۸/۸۱۵/۸۹۰/۸۸۸ ریال و به حروف یکصد و هجده میلیارد و هشتصد و پانزده میلیون و هشتصد و نود هزار و هشتصد و هشتاد و هشت ریال	۵/۹۴۰/۷۹۴/۵۴۴ ریال (حروف پنج میلیارد و نهصد و چهل میلیون و هفتصد و نود و چهار هزار و پانصد و چهل و چهار ریال)
۳	انجام فعالیتهای بهره برداری و نگهداری از تاسیسات آب شرب امور آب و فاضلاب شهرستان چناران	۲۰۰۵۰۰۱۴۴۶۰۰۰۱۵۰	(۶۷/۷۰۵/۷۶۲/۹۸۳ ریال) شصت و هفت میلیارد و هفتصد و پنج میلیون و هفتصد و شصت و دو هزار و نهصد و هشتاد و سه ریال	۳/۳۸۵/۲۸۸/۱۴۹ ریال سه میلیارد و سیصد و هشتاد و پنج میلیون و دویست و هشتاد و هشت هزار و یکصد و چهل و نه ریال

دفتر روابط عمومی و آموزش همگانی شرکت آب و فاضلاب استان خراسان رضوی سایت اینترنتی : www.abfakhorasan.ir